

یکفرسخ بالا ترا چشمه علی واقع است و شرح او را در ذکر مراجعت مویکب مسعود و <sup>مفت</sup>

در چشمه علی مسطور میداریم

روز دوازدهم محرم تشریف فرمائی و نزول اجلال پادشاهی بقریه همان <sup>ست</sup>

سراقدس و وجود مقدس بجایونی نسج که از بستر راحت برخاسته در سلطه پرده <sup>نخا</sup>

مبارکه مشغول تجدیدنس و شقیق بازمهر پاهر قسباس اقدام داشت فرشتان

و حاطین سرز پرده مبارکه که منقض تحویل در خدمت محوله بنحو اظناب سلطه پرده را قدر می

استحکام انداخته و غفلت نموده بقتل تحیر کتیرف بر زمین افتاده بی پرده اردو نمایان

شد خاطر اقدس شامشاهی ازین حرکت بر آشفته مقر فرمودند که فرشتان مزبور را

بشبهه کامل نمایند تا من بعد بی وقت و موقع اقدام خدمت نکنند و بعد از

گزارش حسام السلطنه سوار گردید با اعراض اوله و امین الدوله فرمایش کنسان

روان شدند امروز که روز آخر توقف اردوی بجایون در حوالی دامغان بود

محض تفریح شهر زیارت ایالتی آنجا جمال منویشال را محل عبور از شهر قرار دادند

و بدان سوی تشریف فرما شدند در خارج شهر در سمت چپ کاروانسرای است

نیکو بنا و دایره که در زمان سلف در کمال استحکام ساخته اند و از قراریکه امین الدوله

بعض حضور رسایند از انبیه شاه سلیمان است و در طرف راست نیز در بقعه  
 اما مزاده بنظر آمد که یکی از آن بقاع زیاده قدیم و استحکامی کلی دارد و با صفاست  
 و دیگری بزرگتر و چنان ظاهر و مستقار میشود که از انبیه سلاطین صفویه است اگر چه  
 شهر دامغان از خنثیت جمعیت کم و مردمانش بی بضاعتند ولی بقدر مقدور طوارف  
 عیش و سرور کوشیده خورد و بزرگ زیارت جمال مبارک افشار حاصل نموند  
 سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی در مسجد جامع پیاده شده و داخل مسجد گردیدند چنان  
 حاجی ملا محمد رضای مجتهد دامغان که از اجله علماء و فضلا و مردم نهایت اعتماد و  
 وثوق را بدو دارند در مسجد حاضر و بحضور مبارک تشریف یافت و سرکار شاهنشاهی  
 بعد از ملاطفت با علماء بمولود خانه <sup>آن</sup> عاقبت مقهور تشریف برده و از خرابی آن غمناک  
 در نهایت دلتنگ شده امر کرد فرمودند که بزودی در تعمیر آن کوشند و <sup>مشاور</sup>  
 جامه آبادی پوشند شهر دامغان از شهرهای قدیم ایران است و سلطه بزرگ  
 و عالی داشته که اکنون خرابان آن باقی نیست و از جمله بناهای قدیم این شهری  
 مسجد جامع است که از ضرورت بهر خرابی زیاد بدان راه یافته خبر مناره محکم که هنوز  
 مضبوط و برپاست دیگر مکانیکه تمام آباد باشد در دوی همین قدر که منظور نظر خدا

کتیش امید است که در اندک مدتی بصورت اولی عود نماید و نیز از عمارات شهر  
 ارک قدیم و مخروبه است که از بناهای خاقان مغفور و محل تولد آن شاهنشاه مبرور است  
 که در سال یک هزار و صد و هشتاد و سه بظهور رسید و این شهر را دو مدرسه است یکی  
 سلاطین صفویه بنا کرده اند و طلبه علوم در او مسکن دارند و دیگری که چکتر و جدید الفنا  
 که مرحوم مطلب خان بنا نموده و الا آن خراب و بایر است بنای کاروان  
 و بازار شهر چندان قابل ذکر نیست مگر آنکه چون دامغان را بواسطه قریب است آباد  
 و در خلافت و راه خراسان بکنوع بندرتی است درین عهد جاوید محمد که بجهت طرف  
 و شوارع امن و محفوظ است از نو و آبادی بهم رسد و کاروانسرا و دو کاهین بکود و  
 بنا نهاده شود با بجهت کار شاهنشاه از شهر بیرون تشریف فرما شده بکام  
 نشد و در قریه حسین آباد که سمت جنوب بوده واقع بود در باغ احدی خان  
 حاکم نهار صرف فرمودند و نامی بسیل و شمیم معطر کل موجب تفریح خاطر مبارک  
 گردید و با حاجب الدوله و سایر مقرران تفریح باغ مشغول گشتند و پس از آنکه  
 مدتی بکمال نشسته نسبت مقصد عازم شدیم نزدیک بهمان دوست از دور  
 و باغات بسیار نظیر آمد سرکار بهایون شاهنشاهی عمان اسب را بدان سو

سیل فرمودند که شاید محل نیکویی که موقعا در خور نزول آسایش و آرامش است  
 بمایون باشد اشخاب فرماید چون بیاعات نزدیک شدیم چیک از آنهارا  
 قابل مابین سعادت نیافته از میان کوجه باغبان عبور فرموده بار دومی والا  
 شرف ورود از زانی دهمش در ساعتی راحت فرموده بقیه روز و شب را  
 بصدور احکام و مبطالعه تاریخ روضه الصفا می ناستری که از تالیف است  
 معظم و دبیر محرم رضا قلینجان لاله باشی متخلص به هدایت است مرصوف و  
 حسین خان حاکم سمنان و دامغان که از سلوک بار عایا و رسم پذیرنی اردو  
 بمایون و رسانیدن آذوقه خاطر مبارک را خرسند ساخته بود با عطای کجوت  
 جنبه ترمه کاشیمه دار از جامه خاصه سرافراز گشته رخصت از صرف یافت درین  
 وزیدن باد های سخت مانع از راحت وجود مبارک شد

از دامغان الی مهمان دوست پنج فرسنگ راه مشرقی و بیت درجه مایل  
 بشمال است سمت راست جاده جلگه وسیع و سمت چپ بفاصله یک فرسنگ  
 ونیم فرسنگ فتهی بحیال شمالی میشود درین راه قرا و آبادی بسیار است و آنچه  
 بجاده اقرب اند بموجبی است که معروض میگردد قرا سمت جنوب حصار

قریه است محروبه ملکی اولادش اطمینان فیروز آباد قریه است معتبره  
 با جمعیت که نصف آن خالصه ونیم دیگر عتیمی است مایان آباد و خالصه دیوان  
 اعلی است و امرزان و دهنو بر دو آباد و جز اعظم آنها متعلق بدولت  
 حسین آباد ملکی حسین خان پسر پهلوان اعظم ابراهیم آبادی است  
 آباد و عتیمی است امام آباد ملکی پهلوان اعظم همان دوست  
 که منتر لکاه قوافل و شتمل است بکاروانسرا و چا پارخانه و باغات بسیار و زیاده  
 از پنجاه خانوار سکنه دارد و در نزدیکی او دو برجی است بزرگ از آثار قدیم شنبه شهر  
 ری و از قرا معروفست و جنگنا در شاه با افاغنه و تخت و انهدام ایشان  
 درین قریه واقع شده است و این قریه قدما بن خاک دامغان و شابرود است  
 قرا واقع در سمت شمال قصبه خمر ملکی نواب عالی شاهپرده قمر خانم زوجه  
 پهلوان اعظم است و او قصبه است با دو کالین و مسجد و حمام و زیاده از دو  
 خانوار سکنه دارد طاق ملک اولاد محمد زما نجان و معموره است بکمال خالصه  
 دیوان اعلی و قدری از آن متعلق بابتیاری خان است

روز شنبه سیزدهم شریف فرمائی بقریه دو مل

اعلی حضرت شاهنشاهی رساعت از روز برآمده براسب قزل تیمور میرزائی سوار  
 شده با امین الدوله و معیر الممالک فرمایش کنان عازم راه شدند و چون باد  
 میوزید و گرد و غبار بسیار بود مقرر شد که وزراء و سواران و پیادگان جمیع از راه  
 مستقیم بروند و خود با بعضی از عملجات مخصوص از صحرا و خارج راه رانده در کنار  
 سه فرسنگ فرمودند با قریب یک عمر از راه میرسکار برنج که از سر تا دم دو ذرع طول داشت  
 و نیم ذرع قطر آن بود زنده بگنور آورده معروض خاکپای مبارک داشت که میرسکار  
 که آهونی در ماهور خوابانیده و مستطرا منسروانی است حضرت شاهنشاهی  
 با چند سوار سمت ایشان تا خند و چون با صلاح سکار چنان نسیم موافق نبود  
 آهوان از نزدیک شدن سواران پدرا شد و رو بفرار گذاشت سواران میرسکار  
 و غلامان نصرت بوجوب امر بجا یون بر دور رسید کردند و تا مراجعت برآه دو بو  
 دیگر کما شتگان اعتضاد الدوله صید نمودند با بچله در دو و در شکی ده با جهان سوزن  
 حاکم شاه رود و بسطام بختو مهر ظهورانور بجا یون تشریف بسته مورد اطاف  
 خسروانی گشته و نامور بدان شد که پیش رفته مورد روی بجا یون را در بسطام  
 در محلی که خارج از ذرع و کشت باشد قرار دهند نزدیک بد ملا میرزا عجمولوی ده ملا

که از معارف است با که خدایان در پیش سفیدان مویک مسعود را استقبال نمودند  
شاهشاه عالم پنا و مولوی را بخطاب خسروانه ممتاز فرموده و از حقیقت حال عیال و برادران  
سوال فرمودند و بانی تعمیر کار و انصرافی ده طاراجو یا شد مولوی معروفی  
که طبرالدوله محض آسایش قوافل و زوار و دعای وجود عالمی قدر جایون بهالعی  
بجهت صرف تعمیر آن بنا داده و این بنده بمصرف سازد امم <sup>تجاعت</sup> بغروب نماند  
نزول جلال منزل شد و سرکار شاهشاه در سر پرده جایون استقراری یافت <sup>عاشق</sup>  
حاکم ساو و محمد علی خان و این بنده و عکاسی و عهد نقلی خان در حضور مولانا  
تشریف داشتیم و سرکار خسروانی بمطالع کتاب مشغول بودند که لغت ماخذ حکما  
فرماید که ما را بد چون نظر کردیم ما را دیدیم عظیم است که دو ذرع طول دارد و در کمال  
حضرت و جبارت نزدیک بسند جایون شده آقا علی فرست جبارت زیاده از  
این نداده و در نهایت چالاکي بدون ملاحظه پیش رفت با قلمه که در بنام داشت <sup>اورا</sup>  
بدونیم کرده مورد تحسین و عنایات مویکانه شد بقیه روز صحبت و خواندن کتاب  
گذشت و شب سرکار شاهشاهی پس از صرف شام بسیار پرده پرولی تشریف آورد  
و در قرآن سیر لیلی مسلخ خواب فرمودند

از همان دوست به چهار فرسنگ راه و نو درجه باین شمال است و جانب را  
جاده دهات معتبر پازند و اسامی آنها از این قرار است بر آب و ملک قبا  
زرین آباد و ملک ایضا و ولایت رعیتی لغیم آباد و ملک اولاد مرحوم  
میرزا مهدیخان قادر آباد و ملک ایضا مؤمن آباد نیز از ایشان است  
حسین آباد ملک خوانین قاجار حداده رعیتی و در قرب ده ملا واقع و از جمله  
قرابه معتبر است کلانته ملا مشترک باین رعایا و اولاد مطلب خان است مراد آباد  
و آخرین دهات نیک زار و کوی است

سمت چپ جاده که شمال غربی باشد صحرای سنگلاخ و پست و بلند است که  
اغلب آنرا آب سیل شسته و در او دره ناپدید آمده و این صحرا مسافت یک فرسنگ  
مشی میشود شاه کوه

چهاردهم محرم کرامت شریف فرمانی اردوی حضرت فرجام  
درین صبح با قبائل پهلان علیحضرت شاهنشاهی مانند روزهای گذشته  
گوناگون و شیپور اجناسواری نمود و چاکران دربار گردون مله در رکاب جمایون رون  
شدند از بهر وقیل و قال سواران آهوان بسیار دشت فرار کرده و از روی وحشت



بین اردو آمدند یکی از آنها را مهدی قلیخان علامه که پاشی شکار کرده و بحضور  
پسارک آورده و بقیه از سمت دیگر اردو راه نجات یافتند و نیز در راه امروز  
پسارک بود و سواران متزیم یکاب نصرت سفار بر کباب بخت بخت بخت  
و ظهور حسن خدمت و جاب منفعت بدگیری فرصت نمیداد و آهوی صید کرد  
و از حصول انعام و الطاف خسروانی تحصیل فرید افشار می نمودند پس از طی دو فرسخ  
مسافت سرکار بهایونی بجانب قلعه ذوالفقار خان که در طرف راست او بود  
مسارعت فرموده در باغ واقع در حوالی آن قلعه که در نهایت صفا و نزهت  
و از انواع گلها آراسته و مخصوصاً با گل سرخ مزین و پیراسته بود نزول اجلاس نمودند  
ذوالفقار خان عرب مالک این قریه که از منت بهمان حضرت محمد علیا و تبرک  
و شخص نیک و بی و صاحب اخلاق پسندیده و حسن خوی است تشریف منو  
سعور را که از سعادات محمود بود و بدشکار کرده و باندا زده که مرا ایش از مقدم  
بود در لوازم چاکری و میزبانی پرداخت و از توجهات و ملاحظات که  
ندیدم محاضرت بر افراخت بعد از صرف کفاز سرکار شایسته بیجا نشسته  
و بهمت شایر و در وان شدند جهان شور میزای حاکم با تو چنانچه و سواره

و پیاده کوه داری بسطام و شمشاچی ترویجی متیب همایون را استقبال کرده از آن  
 حضور مهر ظهور که ششمه مورد عواطف پادشاهی شدند نیم فرسنگ بشا برودند  
 علما و معارف مقصد مزبور بموجب تفصیل ذیل برسم استقبال برکاب حضرت  
 اشتمال فایض و از تعقدات ملوکانه بهره یاب گردیدند

جناب شیخ علی انور شیخ صالح ایضا آخوند ملا علی ابره حاجی میرزا احمد بسطامی  
 مجتهد شاهرودی ایضا

آقا عبدالحسین ایضا حاجی ملا نور محمد ایضا جناب حاجی ملا عباس  
 حضرت شامشاهی از کاسکه باب سوار شده نواب ملک آرا حاکم تهرانی

و عباسقلی خان میرتپ لاریجانی که از استراباد عقبیه بوسی حضور مبارک  
 آمده بودند نزدیک طلبیده و از احوالات و امورات استراباد و مازندران و

آن حدود استفسار و اظهار لطف مرحمت میفرمودند تا آنکه از کوه باغهای شاهرود  
 بیرون تشریف برده و سه ساعت بغروب مانده وارد اردوی همایونی که در شام

مغربی بسطام واقع بودند و مکان اردو از حیثیت صفای چشمه و شجرت  
 نغزو و لکش و نظافت و نزاهت مطبوع و پسند خاطر همه آثارشاد و حسین جان  
 نایب اول فرانشاه مبارک که در ترتیب خیمام و وضع چادرها با تمام کلی نمود

مورد محرمت و مکرمت گردید و با فراد فرایشان انعام محرمت شد

از ده طابش هر دو چهار فرسنگ و از آنجا به بسطام نیم فرسنگ زیاد است

و راه همه جا میل شمال است سمت راست جاده بفاصله دو فرسنگ غنی

می شود بگو بجای پست که دامنه آنها کویر است و درین سمت دیات و مزایع

بسیار است که اسامی بر یک بدین موصی است

باغ زندان از دیات مشهور معتبر و متیول ظهیرالدوله مقررات جبال

واقعه در طرف بالای آن شکار قوچ و میش و بز بسیار است **رسانجان**

تیول ایضا قلعه نو آباد و خالصه دیوان اعلی کلاته خان ایضا قلعه

علی اکبر خاوه خوزیان نصف آن خالصه و نصف دیگر بابی و به تیول امیر **نضی**

قلیان عرب مقررات یونس آباد سقاوه اردیان ده آباد **پیل**

ظهیرالدوله است رویان درج سعید آباد دهی هموروشه

ماپن رضایا و محمد رسیم خان قاجار شامیانی است قلعه نوروز خان

حسین آباد و مزعه است بدشت قریه آباد و تیول محمد رسیم خان قاجار

سمت چپ جاده جلگه و دامنه و سنگلخ است گوده شاه بواری که از جبال معروف

درین سمت و در محاذ می بسطام واقع است و دیات خرقان و مغان و ابرج  
که سیلاق و در نهایت خوش آب و هوایی بنیسه شده و در این کوه و اقمند  
و نیز کوه پیر فابردین سمت و از بسطام نمایان است

شاهپرو و قصبه بسیار معتبر است و زیاده از دو هزار خانوار مسکون دارد و تجارت  
معتبر از خارجه و داخله در او ساکنند و در حمام و کاروانسرا دارد و باغات  
او بسیار مرغوب است زیاد مطلوب است آب خالص است و بیخالی که زیاده از بیست و پنج  
است از وسط قصبه فرور میکند و در بدن سبب کوبیده می شود و درخت میوه است  
از شاهپرو و باستان آباد و بخورد و درین راه است و در این نیم ضرورت می آید  
از مالی ایشان مدد بخواید برای ایشان مدد بفرستد چون راه خوفناک خراسان  
عمده از شاهپرو و دمنریان است همیشه در اینجا سوار و توپخانه موجود است که فاصله  
وزوار را بدون آسیب دمنریان میرساند و رحمت میدهد که چه بگذارد تعالی حال  
ازین توجهات و لیا می دولت راه در نهایت امن است و حتماً جاسوار و پناه  
نیست ولی محض ملاحظه در ترکمان حتماً راه از دست نمیدهند و در صحرا  
و فاصله قرا شاهپرو و دمنریان که در تمام مملکت خراسان با فاصله هر هزار قدم از زمان قدیم





برجهای ساخته اند که محض قراولی بوده و حال غیر سکون و اغلب آنها خراب است  
 و پیش از مدتی در حال عصوفت بجایونی اندک وقت دیگر مردم این نواحی اسم این غنچه  
 وحشی را فراموش خواهند نمود و احتیاج بقراولخانه و مستحفظ نخواهد داشت و  
 در خیال شایر و دو بسط هم معدن سرب و مس بسیار است ببطام در دهنه  
 واقع است که دو طرف او کوه و جمعیت و آبادی کم تر از شاہرود است و  
 عمارتس نکیر و عالی بنا تر از شاہرود میباشد و اگر کی قیم دارد که محل شمیم  
 حاکم است و آب هوای او در نهایت اعتدال و نیکوئی است و در خاکش  
 کینوع فرحی است که در کم تر ملا دیده شده است و بنیش حاصل خیز و سرور اینگز  
 مردمانش همه با ذوق و خوشحالت و همه وقت غراف و حکما و جمعی در میان ایشان  
 بوده اند از جمله سلطان بایزید چهارم علییه است که در داخل شد و در مقابل ایوان  
 و مقبره و کتبه امامزاده محمد پسر حضرت امام جعفر الصادق علییه السلام مدفون  
 و جمعی دیگر از مشایخ و معارف غراف نیز در جوار ایشان مدفونند  
 سمت غربی این کتبه مسجد و بعد سلطان بایزید است که کچ بر می ایوان و  
 کاری در مسجد آن کمال امتیاز دارد و بنا بر مدون باقی این بنا سلطان محمد

در این نواحی کوه های بسیار است و در میان آن کوه ها چمنزارها و دشتها بسیار است  
 و در این کوه ها و دشتها مرغ ها و پرندگان بسیار است و در این نواحی کوه های بسیار است  
 و در این کوه ها و دشتها مرغ ها و پرندگان بسیار است و در این نواحی کوه های بسیار است  
 و در این کوه ها و دشتها مرغ ها و پرندگان بسیار است و در این نواحی کوه های بسیار است  
 و در این کوه ها و دشتها مرغ ها و پرندگان بسیار است و در این نواحی کوه های بسیار است

نماز است و جسد خود او نیز در سردابی که در جنب این کعبه است گذاشته شده  
 و در حق این جسد چیزها میگویند جمعی بر آنند که هنوز از جراحت بر سینه اش باقی است  
 و دیگران چون اعتضاد الدوله و معیر الممالک که خود رفته و مشاهده کرده اند میگویند  
 معنی هشتاد و پنج محقق است این است که این جسد بقد و جثه از مردمان حال  
 بمراتب طول و عظیم انچه تراست و از غرایب نسبی که در پهلوی این کعبه متنازه است  
 که است و پنج ذرع طول است و مانند منار جنبان معروف است همان متحرک است  
 یعنی چون بر زبر آن روند و بقوت حرکت و بند جنبش و حرکت مناره و محسوس  
 و مرنی شود و سبب این حرکت معلوم نیست العلم عند الله تعالی  
**دوشنبه پانزدهم محرم کرام توقف اردوی کوه شکر بظام**  
 شایسته حجاجه درین روز بغزم تقن و تقن قرینه ابرسیح که موطن صلی و ملک  
 آبا و اجداد معیر الممالک بخوبی آب و هوای معروف و در شمال مغربی بظام  
 واقع است صبح از صحنه مبارکه که پروان آمده بمینت و کامرانی سوار بر اسب  
 میمون شده و با اعتضاد الدوله و امین الملک تا دامن کوه شاهوار و قریب کنان  
 رفتند و در آنجا ایستادند برای معاودت بارد و رخصت داده خود اگر چه قصد



صعود بیالای کوه شامبور و صید اندازی در آنم غزارداشت لیکن ارتفاع  
کوه وقت خاطر مبارک را ازین صرافت منصرف ساختند و داخل دره شدند  
جریان آب و هوای صواب دره باعث تفریح حالت جمایونی گردید و از آنجا  
مسافتی طی فرموده در حوالی ابرسچ در بالای دره در میان بسنه زاری که  
با فرشتن آفتاب کردن و فرود شدن فرمودند معیر الممالک از تشریف خود یونان  
اطلاع یافته دو سیت تومان وجه نقد با بعضی حاضر عینی شکرانه ورود مویب  
مسعود بحضور مبارک انقاد داشت بعد از صرف نماز سرکار شام شامی سیل  
بتفریح بالای دره فرمودند و میدانی که طی شد میان دره شک و شکها  
بزرگ که سیل کننده در مقابل بود مانع از عبور گردید مراجعت کرده از سمت شرق  
ابرسچ رو پائین تشریف فرما شدند درین ضمن یکی از مکان مرتفع برخواستند  
پروا نمود چون خواست که از بالای سرب جمایونی بگذرد سرکار شام شامی  
با وجود مسافت فرصت نداده بایک تیر تفنگ از هوا بریرش انداختند  
جمع سواران و تیراندازان حاضر کاب تجید و تحسین کرده وجود مبارک را دعا  
چار ساعت بغروب نمانده وارد دوشند ملک آرا و اعصاب الدوله و دبیر الملک

و میرزا نصر الله مستوفی و وکیل لشکر بجهت اتمام و معاملات و حساب عمل استرآباد  
 بحضور مبارک حاضر شدند و تا به هنگام عصر سوال و جواب نموده اوقات  
 مبارک را مشغول میداشتند. پس از آن بحر محاذ مبارک که تشریف بردند سه ساعت  
 از شب گذشته حکیمباشی طلزان و یکی خان واقاعلی و سایر فدا هم خاص بحضور  
 تا ساعتی زقرایشات ملوکانه به رویاب شدند از اردو الی ابرسج دو فرسخ  
 راه است و درین جلگه قرا و مزارع متعدد است و آب و هوا بسیار زیاده است  
 ابرسج دهی سیلاق و آباد و شکر صده خانوار رعیت و حمام است و در دامنه دره  
 واقع است که سه چهار سنک آبی در نهایت کواری و صافی از میان آن  
 جاریست و چون مکان این قریه مشرف بر جلگه است شهر سبطام وارد وی می‌آید  
 از دور در کمال شکوه پیدا بود و نیز کوههای پر برف و کوه‌ها قوزلی استرآباد  
 در مقابل این دو نمایان است

**روز شانزدهم محرم کرام آخر وقت اردو می‌بایون در جو سبطام**  
 حضرت بمایون خلدند بلکه صبح را بجمام تشریف برده و بلاستی و بال  
 پرون آمده و نهار میل فرمودند امرا می‌مفضله روز قبل بحضور مبارک مشرف شده

در تمام عمل استرآباد و اشظام و اتفاق کار آن سامان فرمایشات و احکام ملوک  
عرضه دریافت نموده آرا چند را سبب ممتازی مکانی و قالیچه های اعلای کاسترآباد  
و کوکلان بر رسم پیشکش از لحاظ نظر انور کذا رسید و چون روز روانه نمودن چایا پادشاه  
این املاک عرضیست و فی الممالک زیمرالیه و استیفای اعظم و سردار کل و وزیر  
امور خارجه و وزیر علوم و غیره را بر عین سادزه و جواب سرکاب اصاد نمود  
چایا پادشاه و دشت میرزا سید کاظم شرف حاصل خاصه خدمات خود را  
مشهور خاک می جایون دشت و منصب مستوفی گری سرافراز گشته با ناعت  
و طاعت بجز و مبارک است و کشته تمام عمل محاسبات و حساب و قالیخانه و شرف  
مبارک بد و مغوض و مرجوع گشت چهار ساعت بغروب از سرافرا پادشاهی  
بجهت سامان قشون ملزم رکاب ظفر نشان سوار شده بصرای پانین شاه پادشاه  
که مجمع حکری بود شریف بردن اعیان و ارکان و وزیران و ملزم رکاب بودند و عینا  
منصوره تمام با بوجیب شرقی در اول و زمانه مضبوط است دست بسته  
بجان یگان در نهایت راستگی بلب و واسطه نیکو انحصار مبارک گشته  
الحق امین الدوله و میر قمان عرض شکر می نیکو دادند و مجموع عینا که منصوره در نظر

خبر و گل زیاده با نظم و شکوه آمد نمیدقیجان سحرماند و له ایمنانی نایب شادلو  
و حاکم بچیزد و توابع با پانصد سوار از زیارت خاکپای بیایون افتخار جا  
نمودند و از عنایات شاهنشاهی مستعد آمدند

روز چهارشنبه هفدهم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی  
سراکار اقدس و ذات مقدس منزل حیراناباد

خدیو بی مثال و شاهنشاه بی جمال به کام صبح چون آفتاب عالم تاب  
بر اسب پیشکشی عین الملکی سوار و از کنار شاه پرود که معبر است بسمت منزل  
ره سپار گردیدند اینجانی شادلو و سجادقلی خان و شیرمحمد خان برادران  
مشارالیه با سواره شادلو و جوینی و جاجرمی که حاضر رکاب بودند در کناره  
راه صف بستند و منظور نظر مبارک شاهنشاهی شدند از استکی سواران  
مزبور از خشت اسب و اسلحه و رشادت و جلالت جلی که از سیاهی ایشان  
مشهود بود در نظر انور جلوه گر آمده و کنگرگان و سایر آحاد و افراد ایشان تملطفات  
پادشاهی قرین افتخار نامشاهی شدند ملک آرا از خاکپای بیایون  
مرخصی حاصل نموده با عطای بختوب کلینجه تن پوش مبارک قرین افتخار گردیدند

مقرر حکومت خود نمود و نمودن عیال سقلی خان سیرتپ لاریجانی نیز بحاجت مع  
طلعت مقرر گردیده بانواب ایشان همراهند پس از طی فرسنگی سرکار  
شاهنشاهی در سمت راست در دامنه کوهی فرود آمده نرف نهار فرمودند  
و تشریف فرمای کالک کشیده بار دو شرف و رود از زانی داشتند و چون  
سورت و حرارت هوا بود و مسعود فی اجتهاد تیر نموده بود و نیز در رود  
راحت فرمودند و بعد از خواب بقومرسی میسببات نمود و لیجان سرز  
حاکم سابق استرآباد رجوع کردند و از آنجا که کله آبی میان دشت معروف  
خاکپای بجایون شده بود و جمعیت اردو بسم زیاد بود و محض فاه و اسایش  
خلق امر و مقرر شد که ایالت اردو نصف بریاست حاجی شهاب الملک  
امیر قومان بگردن سپرانه موکب مسعود از راه معمول بروند و از همان دشت  
بگذرند و نصف دیگر باره اردوی بجایون که از راه ارمیا تا زمست همراه باشد  
زیست مالی خیر آباد در سنکاست و راه در جنوب و مشرق سمت  
ایمن جاده جنگ و دیکت واقع در آن بدینویست است و نیز ج مرویان  
سعد آباد بدشت این ده اخیر قبول محمد حسیم خان قاجار است و در

معمور و آباد و آب آن از چشمه است که کفزن سنگ بالای ده واقع است  
 و قرب دو سنگ آب دارد سمت ایستادگی بسیار نزدیک کوی  
 سخت است که الی کفزن سنگ امتداد دارد و شکار در او بسیار است  
 خیر آباد مخروب و بلا سکنه است ولی چون آب خوب دارد و بواسطه وقوع در او  
 معبر تر کمان آبادی آن واجب و لازم است از جانب کسنی الجوانب بنوا  
 جهانسوز میرزا امر و مقرر شد که کمال اهتمام را در آبادی و معموری این قریه  
 معمول دارد

پنجشنبه بخدمت محرم اکرام ورود موكب معبود منزل امیر  
 شاه شاه اسلامیان پناه چون سه ساعت از روز برآمد فقیر و زنی متبالم  
 بکالسه نشسته و با این الملک جهانسوز میرزا در باب تعمیر و آبادی خیر آباد  
 و فرودن آب میان دشت و حفظ طرق و شوارع فرمایشات و تاکیدات  
 ملوکانه میفرمودند تا مسافتی از راه طی شد و آفتاب گردان بخارگاه خادمان  
 حرم جلالت بیدار گشت اعلیحضرت همایونی خود بخطه بسر فراری و دیدار ایشان  
 شافند و نورالدین میرزای نایب ناظر و آقا ابراهیم آبدارباشی نهاد

خاصه با محمد سکه پادشاهی بدست یومیه قیام غذائی میل نموده بود و در  
وارکان و غلامان و پیادگان را امر دادند که از جاوه روان شوند و خود با چند  
از خواص از کنار راه و میان دره و ماهور غار زم شند و قصد آن داشتند  
که شاید از دروان و راهبران بخوبی که رسم ایشان است در گوشه و کنج  
پنهان باشند و گرفتار آیند ولی واضح است که ایشان نیز از آدمیان  
و در بعضی شیران و شیر شکاران نیامسایند چنانکه هر چه در دره و بیابانهاست  
از تری از آن غولان نیامدند تا آنکه قریب از میان نمایان گشت و حضرت و سوار  
میل بدان سوی کشید با بمان چند سوار محشر داخل ده شدند این بنده جواس  
پیش رفت و مردم را که مشغول خرید و فروش آذوقه بودند از راه کنی کند  
فرمودند ایشانرا بحالت خویش بگذار و خود مقدم بر همه از میان جمعیت وارد  
الازده و ورعایا عبور فرموده در سختی که موقع بنیاد میسای و بقول عامه مدفن  
حضرت است فرود آمدند حاجی مطلب خان تفکداری خاصه که بواسطه حکومت  
این سامان که اظلامش پیش از دیگران بود بعضی رسانید که مردم این بومی  
بر آنند که در میامی خمیر و در وسط این چهار مدقون است و بدان واسطه هرگز نشاء

ازین درخت بنزد و از جای دور تر تحفه و نذورات بدین جا آورده مقرر و مساکین را  
دهند و این صندوق را که اکنون بطرمی آید و نیز نظام بسکام روشن به پیشکار  
خراسان تعمیر نموده عظمت و کهنی این چنار را غریب روزگار است چه بر  
از آن درختی قومی را ماند و از هر طرف زیاده از صد ذرع مسافت را سایه افکن  
طول زمان که شاید زیاده از دو هزار سال باشد در رون و آفتابی فروخته و تمام  
مغز استخوانش سوخته است بطوریکه از اصل ساقه درخت جز پوست بطرف قوی باقی  
مانده بالاخره سرکارهای یونی لخطه در آن مکان توقف فرموده و از آنجا هم  
بالا تر گذشت در سر چشمه که آب او بهترین میوه و اطرافش از سبزه و گیاه آراسته  
بود پیاده شده و جمال بسیار کرد و خاک راه شست و شود و چای بوین  
و خیار خورشید پس از زمانی آقا علی و محمد علیخان و عکاسباشی و محقق نیز رسیدند  
بصاحب مشغول گشته خاطر اقرین لارا مشغوف و مسرور ساختند حضرت  
شاهشاهی ادای فریضه نموده یک ساعت بغروب مانده سوار بر اسب کبود عمادالدوله  
شده تشریف فرمای سر چشمه گردیدند و آن حوالی کباب زیاد بود و یکی از آنها  
صید قوش مخصوص مبارک شده به نام غروب بازو که نیم فرسنگ پانین قسعه



واقع بود تشریف فرما شدند و شب بعد از شام قریب شد و خواص چاکران  
بخصوص مشرف گردیدند و از فرمایشات علیه بصره و منادیه و غیره شنیدند و سرکار بهایون  
نیز بنواخت و تشریف بردند. مرید پنجاه نفر از جوانان و پیش سفیدان طایفه کورگان  
بتوسط سخامان دولت به بوسه آستان مبارک اعلی و زیارت جمال آفتاب  
مشال معنی مشرف گردیدند.

از خیر آباد الی میانچ فرس کماست و راه شرق جنوبی مسافت یک فرسنگ و  
نیم تنگ و بعد مثنی بدو میشود و نیکو یک سکه سهولت خود میکنند و این تنگ که  
سبز و خرم و در او بوته کون و فستقین و غیره بسیار است

در این میان چاه رخاوه ایست که در آن قریب در زمین دره واقع است و او  
قلعه و برجی است که بجهت دفع شر ترخانان ساخته شد این قریه از چشمه است که  
در بالای قریه از دامنه کوهی سخت و پستلک بنام است و پشت این کوه باوک  
پکا جمند است که سپرده بجناب معتمد الممالک است

جمعه نوزدهم تشریف فرمائی ذات معتمد و الامیران مسما  
چهار ساعت از روز گذشت تا شبانه دین پناه از درب سر پرده مبارک که هر روز